

چگونه نقض تفاهمنامه و کاهش تردد نفتکش‌ها از تنگه هرمز و افزایش مجدد قیمت نفت دوباره دست قدرت ایران را نمایان کرد؟

حکمرانی نفتی ایران

■ فشار اقتصادی بر آمریکا؛ بازگشت بحران قیمت بنزین
نکته قابل توجه آن است که افزایش تنش‌ها بیش از بسیاری از کشورها، خود آمریکا را نیز متضرر کرده است. هرچند ایالات متحده در سال‌های اخیر تولیدکننده بزرگ نفت بوده اما قیمت بنزین در این کشور همچنان بشدت تحت تأثیر قیمت جهانی نفت قرار دارد.

با افزایش قیمت نفت، هزینه پالایش و توزیع فرآورده‌های نفتی نیز افزایش می‌یابد و این موضوع مستقیماً بر قیمت بنزین منعکس می‌شود. از آنجا که بنزین یکی از حساس‌ترین کالاهای مصرفی در آمریکا محسوب می‌شود، هر گونه افزایش قیمت آن به سرعت به یک مسأله سیاسی تبدیل می‌شود.

افزایش دوباره قیمت نفت پس از تنش‌های اخیر موجب شده دولت ترامپ با فشارهای اجتماعی و سیاسی قابل توجهی روبرو شود. افزایش نرخ سوخت خانوارها، رشد هزینه حمل و نقل، فشار بر تورم و کاهش رضایت عمومی، همگی از پیامدهای مستقیم افزایش قیمت نفت هستند به همین دلیل بسیاری از تحلیلگران معتقدند سیاست تنش‌آفرینی آمریکا در منطقه، برخلاف برخی اهداف اعلامی، در نهایت هزینه اقتصادی و سیاسی قابل توجهی را متوجه خود آمریکا کرده و این مهم نشان‌دهنده قدرت ایران در متاثر کردن قلب اقتصاد آمریکا است. در واقع ایران در حال نشان دادن این گزاره راهبردی به آمریکایی‌ها و حامیان آنهاست که از «۹۵ استفاده ۴-۱۶» رویکرد اینجانب، جهانی‌سازی هزینه‌هایی است که دشمن با ابزار تحریم و جنگ، تهدید به ایران وارد می‌کند.

تحوالات اخیر تنگه هرمز بار دیگر نشان داد امنیت این گذرگاه راهبردی در پیش از هر چیز وابسته به اراده جمهوری اسلامی ایران است. تقاضای خیمان ایران و آمریکا نواستسته بود در مدت کوتاهی اعتماد نسبی را به بازار بازگرداند، هرچند حدود ۲۰۰ شاور غیرایرانی، سهم بالای نفتکش‌ها در این ترردها و کاهش قیمت نفت، همگی نشانه‌هایی از اثر مثبت تنگه نفت بودند اما با تشدید دوباره تنش‌ها، حملات آمریکا در دوره نشان می‌آید. شش، این روند بار قدرت نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی معکوس شد. کاهش جریان نفت عبوری از تنگه هرمز تا سطح ۶۲۰ هزار بشکه در روز، افت میانگین انتقال نفت ۶۰۹ میلیون بشکه در روز و افزایش جاذبه قیمت نفت خام تا ۸۰ دلار، همگی بیانگر بار جدت تحولات نامپاینی است. ژئوپلیتیک به بازار جهانی انرژی هستند در نهایت، تجربه نتونی همان درس همیشگی بازار انرژی را تکرار می‌کند: هر اندازه تنش در خلیج فارس افزایش یابد، هزینه آن بارزاده قدرتمند جمهوری اسلامی ایران تنها کمترین کشورهای منطقه نخواهد بود، بلکه مصرف‌کنندگان بزرگ انرژی، اقتصاد جهانی و خود ایران، فشارهای ترموی و پیامدهای سیاسی ناشی از آن مواجه خواهند شد. این روز حفظ ثبات و پایبندی به تفاهم‌ها و احترام به حاکمیت‌ها از این نقطه یک ضرورت انستیتی، بلکه یک التزام اقتصادی برای همه بازیگران این معادله به شمار می‌آید.



WTI مجدداً افزایش یافت و بار دیگر از مرز ۸۰ دلار در هر بشکه عبور کرد. (نمودار ۵)

این تغییر جهت قیمتی نشان می‌دهد بازار نفت، عامل اصلی افزایش قیمت رانه کمبود واقعی نفت، بلکه افزایش ریسک ناشی از بی ثباتی در تنگه هرمز را به یاد می‌آورد.

■ **تجربه جنگ رمضان: نمونه‌ای از اثر تنش بر بازار انرژی**
تحولات اخیر را می‌توان در چارچوب تجربه جنگ رمضان نیز تحلیل کرد. پیش از آغاز آن جنگ، قیمت نفت WTI در محدوده ۶۷ دلار قرار داشت اما گسترش درگیری‌ها و نگرانی از اختلال در صادرات نفت منطقه، قیمت‌ها به‌سرعت جهش یافت و تا حدود ۱۲۰ دلار در هر بشکه افزایش یافت.

این تجربه تاریخی نشان می‌دهد بازار انرژی بیش از آنکه به میزان واقعی تولید نفت واکنش نشان دهد، به احتمال اختلال در عرضه حساس است. به بیان دیگر، صرف افزایش احتمال ناسانی در تنگه هرمز می‌تواند ده‌ها دلار به قیمت هر بشکه نفت اضافه کند حتی اگر صادرات به طور کامل متوقف نشده باشد.

از این منظر، تداوم تنش‌های اخیر نیز می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری موج جدیدی از افزایش قیمت‌ها برای مخصوصاً غرب باشد؛ موضوعی که اقتصاد آمریکا و اروپا را با فشارهای تورمی بیشتری روبه‌رو خواهد کرد.

که بخش قابل توجهی از صادرات نفت منطقه یا با تأخیر انجام می‌شود یا در انتظار کاهش ریسک‌های امنیتی باقی مانده است. همچنین در ۷ روز گذشته، میانگین جریان نفت از تنگه هرمز به حدود ۶٫۹ میلیون بشکه در روز رسیده و همچنان روند نزولی آن ادامه دارد. (نمودار ۴)

چنین کاھشی صرفا یک شاخص آماری نیست، بلکه نشانه‌ای از افزایش ریسک ژئوپلیتیک در مهم‌ترین شاهراه انتقال انرژی جهان است. هر میلیون بشکه کاھش در جریان نفت این مسیر، سامدهام، مستقیم به توازن عرضه و تقاضای جهان، هزینه

حمل و نقل و انتظارات معامله‌گران بازار انرژی بر جا می‌گذارد. **■ واکنش بازار جهانی نفت به افزایش ریسک**
بازار نفت همواره نسبت به ریسک‌های ژئوپلیتیک و واکنش بسیار سریعی نشان می‌دهد. در دوره اجرای تفاهیم‌نامه، کاهش تنگنای‌ها در برابره امنیت تنگه هرمز، قیمت نفت خام آمریکا (WTI) روند نزولی گرفت و به کمتر از ۸۰ دلار در هر بشکه رسید.

این کاهش قیمت بیانگر حذف بخشی از «پرمیوم ریسک ژئوپلیتیک» از بازار نفت بود. معامله گران تصور می کردند احتمال اختلال در عرضه نفت خاورمیانه کاهش یافته و بازار با کمبود عرضه مواجه نخواهد شد اما پس از افزایش دوباره تنش ها و نقض آتش بس، شرایط تغییر کرد؛ تنهایی حدود یک ماه، قیمت نفت

■ تنش آفرینی آمریکا و فروپاشی فضای اعتماد
با وجود آغاز روند مثبت پس از تفاهم، استمرار آن مستلزم پایبندی تمام طرف‌ها به مفاد آن و حفظ آتش‌بس بود اما حملات نظامی آمریکا در دوره تفاهم و نقض عملی آتش‌بس، فضای اعتماد ایجادشده، آهسته عت از میان برد.

زمانی که شرکت‌های کشتیرانی احساس کنند امکان گسترش درگیری وجود دارد، حتی بدون بسته شدن رسمی تنگه نیز تصمیم به کاهش تردد می‌گیرند. شرکت‌های بیمه نیز حق بیمه جنگ را افزایش می‌دهند و مالکان کشتی‌ها ترجیح می‌دهند مسیرهای جایگزین را انتخاب یا زمان حرکت خود را به تعویق بیندازند.

به همین دلیل نقض تفاهم و افزایش دوباره تنش‌ها موجب شد روند عادی‌سازی تردد کشتی‌ها متوقف شود و بار دیگر دست قدرتمند جمهوری اسلامی ایران این گذرگاه راهبردی را مسدود کند تا مهم‌ترین اهرم فشار خود بر اقتصاد آمریکا و حامیان آن را فعال کند.

■ کاهش بی‌سابقه جریان نفت از تنگه هرمز
پایامد مستقیم این وضعیت، کاهش محسوس حجم نفت عبوری از تنگه هرمز بوده است. بر اساس آمارهای موجود، عبور نفت از تنگه هرمز تنها به ۶۴۰ هزار بشکه در روز کاهش یافته است؛ پایین‌ترین سطح از اوایل ماه ژوئن. این رقم بیانگر آن است



امنیت آن، مستقیماً با بازار جهانی انرژی، اقتصاد بین الملل و امنیت اقتصادی قدرت های بزرگ را تحت تأثیر قرار می دهد. (نمودار ۱)

مهم ترین مواد ترانزیتی از تنگه هرمز را نشان می دهد و سهم این آبراهه را در ترانزیت هر کدام این مواد راهبردی در سطح جهان به خوبی نشان داده است.

تجربه دهه‌های گذشته نیز نشان داده در زمان سطح تنش‌های سیاسی و نظامی در منطقه کاهش یافته جریان انرژی از آبراه (راهدری خلیجی رود به وضعیت عادی بازگشته به بازار رفتن می‌باشد) امنیت نسبی شده است. در مقابل، در گونه‌افزایش تنش یا بی‌ثباتی، حتی بدون وقوع درگیری گسترده، موجب افزایش درآمدهای حمل‌ونقل، رشد ریسک سرمایه‌گذاری، کاهش تردد نفتکش‌ها در نهایت افزایش قیمت جهانی نفت شده است.

در همین چارچوب، امضای تفاهنامه میان رئیس جمهور ایران و رئیس جمهور آمریکا در مقطعی توانست فضای امیدوارکننده‌ای برای مخصوصاً آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها درباره بازگشت امرای به تنگه هرمز ایجاد کند. با آغاز اجرای تفاهنامه، عبور کشتی‌های تجاری و نفتکش‌ها از این مسیر سر گرفته شد و تنگه‌های شاه‌ایران به تنگه هرمز به رود سابق مشاهده شد اما این روند پایدار نماند. تنش آفرینی مجدد آمریکا، حملات نام‌نظم در دوره اجرای مفاد تفاهنامه و نقض امتی‌اس، فضای اعتماد ایجادشده بین طرف‌ها را از بین برد و بار دیگر ایران را ناگزیر به استفاده از مهم‌ترین ابزار قدرت راهبردی خود یعنی تنگه هرمز کرد و این آبراه دوباره به یکی از کانون‌های اصلی جهش قیمت‌ها در بازار انرژی جهان تبدیل شد؛ خدای که نه تنها از درکنندگان نفت، بلکه خود اقتصاد آمریکا را نیز با هزینه‌های قابل توجهی وارد کرده است.

پس از امضای تفاهنامه میان مسعود پزشکیان و دونالد ترامپ، نشانه‌های روشنی از کاهش تنش در منطقه مشاهده شد. مهم‌ترین نمود این تحول، احیای تدریجی تردد دریایی در تنگه هرمز بود؛ مسیری که طی ماه‌های قبل به دلیل اعمال قدرت جمهوری اسلامی ایران با کاهش شدید فرتاؤد گشته‌ها روبه‌رو شده بود. از این دوره، حدود ۲۰۰ شناور غیرایران‌گشت صورت هماهنگ‌گشته‌ها در تنگه هرمز عبور کردند که بیانگر بازگشت نسبی اعتماد شرکت‌های کشتیرانی بین‌المللی به امنیت این مسیر دریایی بود. از میان این شناورها، ۴۱ درصد را نفتکش‌ها تشکیل می‌دادند. موضوعی که نشان می‌داد فعلاً بازار انرژی نیز انتظار داشتند صادرات نفت منطقه بدون وقفه ادامه یابد. (نمودارهای ۳ و ۴)

